

ساخت آغازگری در داستانهای مدرنیستی

صنع البداية في قصص الحداثة

Making a start in modernist stories

م.م. عبدالأمير جاسب زامل (*)

Abdulameer Chasib Zamil

abdulameer.chasib@ircoedu.uobaghdad.edu.iq

المستخلص

يُعَدُّ المنهج الوظيفي (الأدوار المتداخلة عند هليدي) مهماً في تحليل الخطاب، والذي يوفر المقدرة على فهم النص في إطاره العام. إذ قسم مايكل هليدي في منهجه التنظيمي الأدوار والمعاني اللغوية إلى ثلاثة أنماط معنوية أو تداخل وتبادل الدور بين الأفراد: الأنماط التفكيرية / التجريبية، والأنماط بين الأفراد، والأنماط النصية. إذ يمكن تحليل نصوص هذه القصص من وجهة نظر الأنماط النصية. فالأنماط النصية تتعامل مع بنية النص وتعد ((البادى)) و ((نهاية القسم)) أدواتاً لإنشاء النص. ففي هذه الدراسة، قد تم البحث في الأنماط المختلفة لبدايات خمسة من قصص الحداثة. حيث أظهر التحليل الإحصائي في بنية ثلاثة قصص منها أن نسبة حدوث أنماط مختلفة من البدايات (التعاونية

(*) جامعة بغداد / كلية التربية ابن رشد للعلوم الإنسانية

والعملية، والإضافة الجانبية) كانت متقاربة تقريباً ولم تظهر اختلافات واضحة بينهما. ويعزى هذا التقارب في أنماط البدايات في قصص الحادثة إلى أسلوب السرد غير الخطي في هذه القصص إذ يُقدِّم الكاتب على السرد بطريقة غير منطقية وغير منتظمة باستخدام تقنيات ((تدفق الوعي)) و ((الحوار الداخلي)). وهذا ما يفقد الكتاب تركيزهم في السرد، مما يؤدي إلى تنوع ترتيب الهياكل والبنى وبالأخص التنوع في استخدام البدايات. أما في القصتين الأخرتين، فكانت نسبة حدوث أنماط مختلفة من البدايات مشابهة لبنية القصص الواقعية.

الكلمات المفتاحية: المنهج الوظيفي لهليدي، الأنماط النصية، البدايات، قصص الحادثة.

Abstract

Functional grammar which is an important pattern in discourse analysis grammar, provides this possibility to know about basic framework of text. Michael Halliday divided functions of language to three metafunctions in his systematic grammar: ideational/ experiential, interpersonal, and textual metafunctions. It could be examined types of texts view point of textual metafunctions. This metafunction concerned to text structure. In this metafunction, Theme and Rheme are instruments for creating text. In this research, types of Themes have been examined in 5 modern stories. Statistical analysis showed incidence of types of Themes (participane, process and circumstance) was almost equal in the structure of 3 modern stories and there was no clear difference between them. Way of non-linear narration in the modern stories are reasons for be equal almost and that the writer ahead narration as irrational and irregular ways using stream of consciousness and interior monologue techniques as if he loses his focus in narration. It results to varying constituents arrangements especially to varying in the Themes uses. In the other two stories, incidence of types of Themes was similar to real stories.

Key words: Halliday's systemic functional grammar, textual metafunction, Theme, modern stories.

دستور نقش گرا که انگاره ای مهم در تحلیل گفتمان است، این امکان را پدید می آورد که بتوان به چارچوب اصلی متن آگاهی پیدا کرد. مایکل هلیدی در دستور نظام مند خود نقشها و معناهای زبان را به سه لایه معنایی یا فرانش تقسیم میکند: فرانش اندیشگانی/ تجربی، فرانش بینافردی و فرانش متنی. میتوان از منظر فرانش متنی به بررسی متون این داستانها پرداخت. فرانش متنی با ساخت متن سروکار دارد و در این فرانش ((آغازگر)) و ((پایان بخش)) ابزارهای ایجاد متن اند. در این مطالعه، انواع آغازگرها در پنج داستان مدرنیستی بررسی شده است. تحلیل آماری نشان داد در ساختار سه داستان مدرن میزان وقوع انواع آغازگرها (شارک، فرایند و افزوده حاشیه ای) تقریباً برابر بود و تفاوت آشکاری بین آنها وجود نداشت. از دلایل تقریباً برابر بودن انواع آغازگرها در داستانهای مدرن شیوه روایت غیر خطی آنها است و اینکه نویسنده با استفاده از تکنیکهای ((سیال ذهن)) و ((تک گویی درونی)) روایت را غیر منطقی و نامنظم پیش میرود. گویی نویسنده در روایت تمرکز خود را از دست میدهد و همین امر موجب متنوع شدن چینش سازها به خصوص تنوع در کاربرد آغازگرها میشود. اما در دو داستان دیگر، میزان وقوع انواع آغازگرها شبیه به ساختار داستان رئالیستی بود.

کلید واژه: دستور نقش گرای نظام مند هلیدی، فرانش متنی، آغازگرها، داستانهای مدرنیستی.

۱- مقدمه

زبان شناسی نوین بنیادهای خود را بر پایه نظریه فردینان دو سوسور استوار کرد که وی آرایش را بر نشانه بنا کرد. پس از سوسور، انقلاب دیگر در زبان شناسی نگره صورت گرایی چامسکی است که در این دیدگاه، جمله به عنوان واحد بررسی زبان شناختی جایگزین واژه شد. از دهه ۱۹۶۰ به این سو، به واحد متن به عنوان واحد تحلیل و بررسی زبان شناسی توجه شد. (مهاجر، ونبوی، ۱۳۷۶، ص ۶۹) (Mohajer & Nabavi, ۱۳۷۶, p. ۶۹) زبان شناسی نقش گرا که یکی از مهمترین مکتهای زبان شناسی ساخت گرا در اروپا بوده است، به نقش ارتباطی زبان توجه دارد. دستور نقش گرای نظام مند هلیدی - که مشهورترین گونه نقش گرایی است - رویکردی دقیق و نظام مند برای تجزیه و تحلیل متون فراهم آورده است. طبق دیدگاه (مارتین، دیگران، ۲۰۱۰، ص ۲) (Martin, et al, ۲۰۱۰, p. ۲) هدف اصلی هلیدی از طرح دستور نظام مند این نیست که دستور را متوجه یک واحد مجزا کند؛ بلکه هدف، ارائه دستوری به طور کلی به منظور تجزیه و تحلیل و تفسیر متون است؛ بنابراین دستوری است بین المللی که گستره وسیعی از متون را تحلیل میکند. در مقایسه با دستور صورت گرا و دستورهای سنتی، دستور نظام مند نقش گرا از لحاظ معنایی غنی تر است؛ لذا میتواند در تحلیل گفتمان بسیار سودمند باشد (وونگ، ۲۰۱۴، ص ۵۵) (wang, ۲۰۱۴, p. ۵۵). بعد مهم دیگری که به تجزیه و تحلیل سیستماتیک یا نظام

مند این دستور اضافه میشود، این است که نشان دهد گوینده چه چیزی را برای رساندن منظور انتخاب میکند؛ بر خلاف آن چیزی که مخاطب انتظار آن را دارد. (مارتین، دیگران، ۲۰۱۰، ص ۳) (Martin, et al, ۲۰۱۰, p. ۳)

واحد اصلی در دستور نظام مند هلیدی، بند است. بند ترکیبی از رشته‌های مختلف معنا است که شامل ((بند به عنوان پیام)) مقدار و کمیت پیام، ((بند به عنوان تبادلی)) تبادل بین گوینده و شنونده، ((بند به عنوان باز نمود)) تفسیر فرایندهایی که در تجربه انسان در حال انجام است، می‌باشد (هلیدی، ۱۹۹۴، ص ۳۶) (Halliday, ۱۹۹۴, p. ۳۶)؛ برای این اساس، سه فرانقش در یک متن وجود دارد که شامل فرانقش اندیشگانی (بند به عنوان باز نمایی که منطبق با معنای تجربی و منطقی است)، فرانقش بینافردی (بند به عنوان تبادلی) و فرانقش متنی (بند به عنوان پیام) است. این معانی به طور مشترک به کمک دستور نظام مند در تحلیل بررسی میشوند. (متیسن، ۲۰۱۴، ص ۲۲۷) (Matthiessen, ۲۰۱۴, p. ۲۲۷) فرانقش متنی یکی از لایه‌های معنایی است که دارای دو نقش آغازگر و پایان بخش است. این دو با هم ساخت آغازگری پایان بخشی را به وجود می آورند. بخشی از بند به عنوان آغازگر با بخش دیگر بند ترکیب میشود تا با یک دیگر پیام را بسازند. آغازگر نقطه عزیمت پیام است و باقی مانده؛ یعنی بخشی که آغازگر در آن بسط و گسترش می‌یابد، پایان بخش نام دارد. (هلیدی، و متیسن، ۲۰۰۴، ص ۶۴) (Halliday & Matthiessen, ۲۰۰۴, p. ۶۴) به عقیده تولان، دستور نظام مند هلیدی یکی از مفید ترین و کارآمد ترین دستورهای معاصر و معنا محور است که میتوان از آن در تحلیل متون ادبی استفاده کرد. (تولان، ۱۳۸۶، به نقل از فضائی و ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۱) (Tolan, ۱۳۸۷, quoted by Fazaeli and Ebrahimi, ۱۳۹۳, p. ۱۲۱) در نظریه هلیدی، ادبیات همچون سخن علمی، یکی از ژانرهای زبانی است و از همان امکانات و منابع خلق معنای موجود در سطوح مختلف نظام زبان بهره میگیرد. (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۶۸) (Fotouhi, ۱۳۹۱, p. ۶۸) با توجه به این مطلب، در این پژوهش که مبتنی بر فرانقش متنی است و با تأکید بر ساخت آغازگری انجام میشود، قصد داریم شیوه چینش سازها در قسمت آغازگر بندها را در داستانهای مدرنیستی بررسی کنیم؛ زیرا، از نظر هلیدی، نویسنده بنا به شرایط از رهگذر گزینشهای تو در تو ساخت مورد نظر خود را انتخاب میکند و سبک خود را رقم میزند و این گونه است که سبک یک نویسنده با سبک دیگران متفاوت است؛ چراکه گزینشهای او از میان مجموعه امکانات موجود متفاوت است. در عین حال با تکرار این گزینشها نویسنده معنای مورد نظر خود را به مخاطب منتقل میکند. (عاصی و نوبخت، ۱۳۹۰، ص ۷۱) (Assi & Nobakht, ۱۳۹۰, p. ۷۱) در داستانهای مدرنیستی با طرحی منسجم و نظامی روایی مواجه نیستیم. از ویژگیهای آثار مدرن و پست مدرن در نوع روایت آنها است. در واقع، در این داستانها نوعی گسست وجود دارد و روایت آنها تکه تکه و پاره پاره است. شخصیتها در این گونه داستانها به شناخت خود از جهان پیرامون تردید دارند. (مرمی، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸) (Marma, ۱۳۸۳, p. ۱۱۸) یکی از تکنیکهای مشترک در داستانهای مدرن و پست مدرن تکنیک ((سیال ذهن)) است که در آن عقاید و احساسات

به دور از یک سیر منطقی با به هم ریختن نحوه و ترکیب کلام آشکار میشود. (یزدانجو، ۱۳۸۱، ص ۱۴۸) (Yazdanjoo, ۱۳۸۱, p. ۱۴۸) از منظر فرانقش متنی میتوان به دریافتی قابل تأمل در داستانهای مدرن و تفاوت آن با دیگر داستانها دست یافت؛ سوالی که تحقیق حاضر به منظور پاسخ دادن به آن شکل گرفته این است که در داستانهای مدرنیستی سازها آغازگرها چگونه در بندها ظاهر میشوند؟ داستان نویس خواسته یا ناخواسته چگونه از این گسستگی و تکه تکه بودن شیوه روایت در داستانهای مدرن بهره میبرد و بندهای داستان خود را تنظیم میکند؟

با توجه به ویژگیهایی که از داستانهای مدرن بر شمردیم، فرضیه این است که آغازگرها در داستانهای مدرن با توزیع نسبتاً مشابهی ظاهر میشوند؛ زیرا، معمولاً در این داستانها از تکنیک سیال ذهن استفاده میشود که روایت فاقد طرح منسجم و نظم روایی است. برای بررسی این فرضیه پنج داستان مدرنیستی بررسی میشوند که عبارت اند از: نقش بندان (هوشنگ گلشیری)، درخت گلابی (گلی ترقی)، سه شنبه خیس (بیژن نجدی)، کابوس بیداری (حسین سنابور) و اسکلتهای بلور آجین (محمد کلباسی).

۲- پیشینه پژوهش

پژوهشهای گسترده ای در زمینه دستور نقش گرای نظام مند هلیدی بر روی متونی با موضوعات مختلف ادبی، سیاسی، مذهبی و آموزش زبان خارجی انجام شده اند. برخی از مهمترین پژوهشهایی که به بررسی فرانقشهایی غیر از فرانقش متنی پرداخته اند به ترتیب وقوع زمانی عبارت اند از:

هلیدی (۱۹۷۱)، بررسی رمان وارث اثر ویلیام گلدینگ از منظر فرانقش تجربی (Halliday, ۱۹۷۱)؛ حسن (۱۹۸۶)، بررسی انواع فرایندهای هلیدی در شعری از موری (Hassan, ۱۹۸۶)؛ ام سی گب و هیلمن (۲۰۰۷)، بررسی تفاوت فرانقش بینافردی در اخبار روزنامهها و سرمقاله ها (Mc Cabe & Heilman, ۲۰۰۷)؛ ابوالحسنی و ملک ثانی (۱۳۸۷)، بررسی کتابهای درسی دانشگاهی بر اساس نظریه نقش گرای هلیدی و مقایسه آن با متون همسان غیر درسی (Abolhassani & Maleksani, ۱۳۸۷)؛ پهلوان نژاد و وزیر نژاد (۱۳۸۸)، بررسی فرانقش بینافردی در رمان من چراغها را خاموش میکنم (Pahlavannejad & Vazirnejad, ۱۳۸۸)؛ آقا گل زاده و دیگران (۱۳۹۰)، بررسی چهار داستان کوتاه صادق هدایت و جلال آل احمد را بر اساس نظام گذرایی در چارچوب دستور نقش گرای هلیدی (Aghagolzadeh et al, ۱۳۹۰)؛ هراتیان (۲۰۱۱)، دستور نظام مند نقش گرای هلیدی و معنای اجتماعی (Haratian, ۲۰۱۱)؛ اولوسانیا (۲۰۱۳)، تحلیل تعدادی از تبلیغات سیاسی در روزنامه های نیجریه بر اساس فرانقش بینافردی (Aolusanya, ۲۰۱۳)؛ رمضان و رستم بیک تفرشی (۱۳۹۲)، تحلیل متن کتاب زبان انگلیسی هفتم بر مبنای دستور نقش گرای نظام مند هلیدی (Ramazani & Rostambeig Tafarshi, ۱۳۹۲)؛ عرب زوزنی، پهلوان نژاد و سیدی (۱۳۹۳)، بررسی فرانقش بینافردی در خطبه جهاد نهج البلاغه (Zouzani, & Pahlavan Nejad, Seydi, ۱۳۹۳)؛

تعمیم داری و صدری (۱۳۹۳)، توصیف مقوله وجه نمایی از دیدگاه هلیدی بر روی گلستان سعدی (Tamimdari & Sadri, ۱۳۹۳)؛ فضائلی و ابراهیمی (۱۳۹۳)، تحلیل سبک شناختی داستان هفت خوان رستم شاهنامه بر اساس فرانقش تجربی (Fazaeli & Ebrahimi, ۱۳۹۳)؛ صادقی، نقی زاده و طباطبائی (۱۳۹۴)، تفسیر ساختار سوره کوثر بر پایه نظریه نقش گرای نظام مند هلیدی (Sadeghi, Naghizadeh, Tabatabaei, ۱۳۹۴).

۲-۱- پژوهشهای انجام شده در زمینه فرانقش متنی بر روی متونی غیر ادبی

۱-۲-۱- پژوهشهای خارجی

گومز (۱۹۹۴) (Gomez, ۱۹۹۴) در گزارشهای خبری بی.بی.سی. نقش آغازگر را بررسی کرده است و الگوی رایج ترتیب آغازگرها را در بین بندها نشان داده است. بلور و بلور (۱۹۵۵) (Bloor & Bloor, ۱۹۹۵) در کتاب تحلیل نقش گرایی زبان انگلیسی نظام آغازگری پایان بخشی و نظام ساخت اطلاع را بررسی نموده اند. آنها اولین سازه بند را به شرطی که مشارک، فرایند یا عنصر حاشیه ای باشد، آغازگر در نظر گرفته اند. سپس، آغازگرهای بی نشان و نشان دار را معرفی نموده اند. به عقیده آنها، فاعل وجه خبری و عامل زمان داری در وجه پرسشی، محمول وجه امری و عنصر استقهامی (به شکل متممی افزوده) در وجه عاطفی، آغازگر بی نشان هستند. فرایز (۱۹۵۵) (Fries, ۱۹۹۵) معتقد است الگوی انتخاب آغازگر و محتوای تجربی مبتداها بسیار پیچیده است و میزان پیچیدگی آنها به اهداف متن بستگی دارد. او جایگاه آغازگر در زبان انگلیسی را نسبت به فاعل ثابت نمیداند و بر این باور است که معیار عنصر آغازین برای شناسایی آغازگر مناسب نیست. لاک (۱۹۹۶) (Lock, ۱۹۹۶) نشان داری آغازگر در زبانهای ایتالیایی و ژاپنی با زبان انگلیسی را مقایسه کرده است. وی معتقد است در بندهای دارای آغازگر نشان دار نوعی فرایند مبتدا سازی اتفاق افتاده است و برای فهم علت‌های مبتدا سازی باید رابطه بند و متن را بررسی کرد. آرون سیرت (۲۰۱۳) (Arunsirot, ۲۰۱۳) به تحلیل متون نوشتاری زبان آموزانهایی که زبان انگلیسی را به عنوان زبان خارجی یاد می‌گرفتند، بر اساس فرانقش متنی پرداخت. بر اساس یافته‌ها، پنج مشکل در آغازگری در نوشتارهای آنان مشاهده شد که عبارت بودند از: آغازگر در جمله وجود نداشت، اطلاعات جدید در جایگاه آغازگر گذاشته میشد، آغازگر بیش از حد تکرار میشد، پایان بخش در جمله وجود نداشت، آغازگر متنی به صورت مغشوش انتخاب میشد. به عقیده وی، یافته‌های این تحقیق میتواند هم برای زبان آموزان خارجی و هم برای آموزگاران مؤثر باشد. هی (۲۰۱۳) (He, ۲۰۱۳) فرانقش متنی را از منظر بندهای ناخود ایستا بررسی نموده است. وی در این مقاله عنوان کرده بر اساس آنچه هلیدی و متیسن (۲۰۰۴) (Halliday & Matthiessen, ۲۰۰۴) گفته اند، هلیدی به وجود فرانقش متنی قائل نبوده و فقط به نقش متن در فرانقش تجربی اشاره کرده است. ونگ (۲۰۱۴) (Wang, ۲۰۱۴) ابتدا دستور نقش گرایی را ترسیم نموده و سپس، هم بستگی و یکپارچگی آغازگر را در مقوله ترجمه نشان داد.

۲-۱-۲- پژوهشهای داخلی

کاوسی نژاد (۱۳۸۱) (KavousiNejad, ۱۳۸۱) در پژوهشی به بررسی ساخت مبتدا خبری پرداخته و نشان داده است که در زبان فارسی نوشتاری، ترتیب و توالی عناصر بند معنای متن را نشان میدهد. فهیم نیا (۱۳۸۷) (Fahimnia, ۱۳۸۷) در توصیف و تحلیل نقش گرایانه آغازگر در کتابهای فارسی دانش آموزان دبستان نشان داده است که دانش آموزان مقطع ابتدایی در نوشتههای خود آغازگر ساده و بی نشان را بیشتر از آغازگر مرکب و نشان دار به کار میبرند. کاظمی و افراشی (۱۳۹۱) (Kazemi & Afeashi, ۱۳۹۱) انواع آغازگر را در متون تخصصی فیزیک فارسی و انگلیسی از منظر فرانقش متنی بررسی کرده اند. یافته نشان داد میزان استفاده از آغازگر مرکب نسبت به آغازگر ساده و همچنین، آغازگر بی نشان نسبت به آغازگر نشان دار در این متون بیشتر است. امینی (۱۳۹۱) (Amini, ۱۳۹۱) تحولات معنایی و سخت اطلاع و ((آغازگرهای اسنادی شده)) در فرایند ترجمه از انگلیسی به فارسی را بررسی کرد. عرب زوزنی و پهلوان نژاد (۱۳۹۲) (Arab Zouzani & Pahlavan Nejad, ۱۳۹۲) در پژوهش خود آغازگر نشان دار و بی نشان را در کتب زبان انگلیسی مقطع متوسطه در ایران بر اساس رویکرد نقش گرای نظام مند هلیدی بررسی کردند. پس از تحلیل ۱۳۰۳ بند موجود در منابع ذکر شده این یافته به دست آمد که تعداد و نوع بندها در این متون تابع قاعده و روال خاصی نبوده و بر خلاف انتظار نسبت بسامد بندهای با آغازگر نشان دار که میتواند بر درجه مشکی متن بیفزاید، از پایه پایین تر به بالا تر به بندهای با آغازگر نشان دار افزایش نداشته و حتی در پایه اول نیز بیشتر بوده است. کاظمی (۱۳۹۳) (Kazemi, ۱۳۹۳) ساخت آغازگری و پایان بخشی را در بندهای مرکب متون علمی فارسی بررسی کرده است. نتیجه سطوح تحلیل بندهای مرکب بسته به نوع بند به طور همزمان در یک یا دو یا سه لایه امکان پذیر میشود. بر این اساس میتوان لایههایی از آغازگر را در این بندها بازکاوی و مقوله ای به نام آغازگر لایه ای را شناساند. از بررسی آغازگرهای ساده و مرکب مشخص میشود که در نوع علمی فراوانی انواع آغازگرهای متنی از مجموع آغازگرهای مرکب افزون گشته است.

۲-۲- پژوهشهای انجام شده در زمینه فرانقش متنی بر روی متون ادبی

۱-۲-۲- پژوهشهای خارجی

احمد بیلال (۲۰۱۲) (Ahmad Bilal, ۲۰۱۲) در پژوهشی، داستانی را بر اساس سه فرانقش متنی، بینافردی و تجربی هلیدی بررسی کرد. تحلیل وی نشان داد که بررسی مشخصههای زبانی متن نه تنها به درک ساختار متن، بلکه به دریافت معانی عمیق آن نیز کمک میکند. چنین تحلیلی بخش پنهان شخصیتها و نیات و مقاصد آنها را که در پس پاره گفتارها است، آشکار میکند. درک این مقاصد و نیات برای یاد گیرنده زبان دوم میتواند دشوار باشد. قلعه اسد (۲۰۱۳) (Ghaleasad, ۲۰۱۳)

۲۰۱۳) به بررسی و مقایسه انواع آغازگرها در پنج داستانهای کوتاه جنایی و رمانتیک انگلیسی پرداخته است. وی به این نتیجه رسیده است که شباهتهایی بین این دوگونه داستان دیده میشود و در نهایت آغازگر متنی باعث برقراری انسجام و پیوستگی متن میشود که در خوانش متون بسیار مؤثر است.

۲-۲-۲- پژوهشهای داخلی

شاهرخی شهرکی (۱۳۸۵, Shahrokhi shahraki, ۱۳۸۵) شعر کودک را از دیدگاه نقش گرایی هلیدی بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که مبتدای اکثر جملهها نشان دار است. عاصی و نوبخت (۱۳۹۰, Assi & Nobakht, ۱۳۹۰) از منظر فرانقش متنی به خوانش شعری از اخوان پرداخته اند و با بررسی نحوه چینش عناصر در متن، چگونگی استفاده سبکی شاعر از این ابزار را نشان داده اند و متقابلاً تأثیری را که این ساخت در رساندن معنای ذهنی عینی شاعر دارد، روشن نموده اند. آنها به این نتیجه رسیده اند که حضور ساختهای متعدد در زبان بی دلیل نیست و هر ساختی در زبان برای اهداف خاص خود به کار میرود. رضویان و سلطان احمدی (۱۳۹۳, Razavian & Soltanahmadi, ۱۳۹۳) با توجه به فرانقش متنی بر اساس دستور نقش گرا به بررسی تبادل معنا در وبسایتیهای ادبی فارسی پرداخته اند. آنها نشان داده اند که آغازگر مرکب کمتر از آغازگر ساده استفاده شده است که این امر نشان دهنده آن است که میتوان جملهها را به شیوه- های مختلف آغاز کرد که تأثیر متفاوتی در درک مطلب مخاطب دارد. بدری و همکاران (۱۳۹۴, Badri et al, ۱۳۹۴) انواع آغازگر را در پنج داستان رآلیستی بررسی کردند. در تمام داستانهای بررسی شده، آغازگر از نوع مشارک علاوه بر اینکه بیشترین درصد وقوع را داشت، تفاوت بارزی هم با دو آغازگر دیگر داشت. بر اساس ویژگیهای داستانهای رآلیستی؛ یعنی خطی بودن روایت و مسیر منطقی حوادث بر اساس رابطهای علی و معلولی و همچنین، تمایل بیشترین نویسندگان این سبک در استفاده از زاویه دید سوم شخص مفرد، فراوانی بیشتر آغازگر از نوع مشارک در این داستانها هم سو با همین ویژگیها بود. نویسنده برای آنکه وقوع روایت را در عالم واقع برای خواننده باورپذیر کند، ذهن خود را متمرکز بر یک نوع آغازگر کرده است.

۳- چهارچوب نظری پژوهش

در این بخش درباره رویکرد نقش گرایی هلیدی و نیز انواع فرانقشهای مطرح در این رویکرد و به ویژه فرانقش متنی توضیح داده میشود. دبیرمقدم (۱۳۷۸، ص ۹, Dabirmoghadam, ۱۳۷۸, p. ۹) معتقد است سه نگرش در زبان شناسی امروز مسلط است؛ انگاره صورت گرایی، نقش گرایی و شناختی. در نقش گرایی، ما با گونههای مختلف مواجه هستیم که وجه اشتراک همگی آنها ((تعالیگری)) است؛ به ویژه باور داشتن به این مسئله است که اصلی ترین وظیفه زبان ایجاد ارتباط است و از این رو به حضور نقش ارتباطی، کاربرد شناختی و کلامی به عنوان بخش لاینفک

نقش زبان و در نتیجه طرد تفکر استقلال و خود مختاری زبان تأکید میورزند. (دبیر مقدم، ۱۳۷۸، ص ۴۰) (Dabirmoghadam, ۱۳۷۸, p. ۴۰) هلیدی، شاخص ترین زبان شناس نقش گرا است که مهاجر ونبوی (۱۳۷۸) (Mohajer & Nabavi, ۱۳۷۸) از نگره زبان شناختی وی به عنوان ((زبان شناسی سیستمی- نقشی)) یاد میکنند.

از نظر هلیدی زبان به عنوان یک نظام معانی به همراه صورتهایی است که از طریق آن صورتهای معانی تشخیص داده میشوند. از نظر او زبان نظامی برای ساختن معانی است. (هلیدی، ۱۹۹۴، ص ۱۷) (Halliday, ۱۹۹۴, p. ۱۷) دستور نظام مند هلیدی به معنا اهمیت واولویت میبخشد و آن را در رأس مدل خود قرار میدهد. مفهوم معنا در این نظریه در سه فرانش تجلی مییابد: فرانش اندیشگانی، فرانش بینا فردی و فرانش متنی. هلیدی ایفای نقش فرانشها را در بند محقق میداند. از نظر او ((بند)) واحد تجزیه و تحلیل متن است. (هلیدی، ۱۹۸۵، ص ۱۳) (Halliday, ۱۹۸۵, p. ۱۳)

فرانش تجربی/ اندیشگانی: آن نقش و معنای زبان است که برای بیان تجربیاتمان از جهان خارج و نیز جهان درون ذهنمان استفاده میکنیم. (هلیدی، ۱۹۸۵، ص ۱۳) (Halliday, ۱۹۸۵, p. ۱۳) فرانش بینا فردی: آن بخش از متن است که بر کنش متقابل میان افراد درگیر در ارتباط تأکید دارد. در این نقش پیام به گونه ای سازمان بندی میشود که به برقراری روابط اجتماعی و تعامل افراد منجر شود. (هلیدی، ۱۹۸۵، ص ۱۳) (Halliday, ۱۹۸۵, p. ۱۳)

فرانش متنی: فرانش متنی با برقراری پیوند میان دو فرانش قبلی باعث ایجاد متن میشود (هلیدی، ۱۹۸۵، ص ۱۳) (Halliday, ۱۹۸۵, p. ۱۳). این فرانش باعث میشود توالیهایی درست در گفتنمان داشته باشیم و علاوه بر چینش عناصر زبانی، به سازمان بندی درست جریانههای کلامی و انسجام متنی برسیم. (تامپسون، ۱۹۹۶، ص ۳۵) (Thoposon, ۱۹۹۶, p. ۳۵)

وقتی از دیدگاه فرانش متنی مینگریم در تلاش هستیم که ببینیم چگونه گویندگان پیام خود را در جهتی مناسب در متن یا مکالمه میسازند. بر اساس دستور نقش گرا سه روش برای ایجاد معنای متن وجود دارد. تکرار، ادات ربط و الگوی آغازگری. (سربان، ۲۰۱۵، ص ۱) (Cerban, ۲۰۱۵, p. ۱) سازمان بندی اطلاعات در متن به وسیله توالی آغازگرها در پاره گفتارها و قرینههای آن؛ یعنی پایان بخش تعیین میشود. (دنس، ۱۹۷۴، ص ۱۱۴) (Danes, ۱۹۷۴, p. ۱۱۴)

هلیدی و متسیوس بر این اعتقادند که ساختار آغازگر پایان بخش انگاره ای بسیار مهم در گفتن است. بر اساس فرانش متنی، یک جمله کامل میتواند به دو بخش آغازگر و پایان بخش تقسیم شود. این تقسیم بندی نه تنها به بروز مشخصههای تشکیل گفتن کمک میکند، بلکه آگاهی خوبی به خواننده میدهد که نویسنده چگونه چارچوب اصلی متن را ایجاد کرده است. (لی، ۲۰۱۱، ص ۱) (Li, ۲۰۱۱, p. ۱)

هلیدی آغازگر را آغازکننده و نقطه عزیمت پیام میداند؛ یعنی، اولین سازه جمله. پایان بخش را نیز باقی مانده، مهمترین مضمون جمله و توصیف کننده آغازگر تلقی میکند. (هلیدی، ۱۹۸۵، ص

۳۸) (Halliday, ۱۹۸۵, p. ۳۸) آغازگر باید در ساختار تجربی نقش داشته باشد؛ یا مشارک باشد، یا افزوده حاشیه ای و یا فرآیند باشد. مشارک، شرکت کننده پیام است. برای آنکه بفهمیم موضوع پیام چیست باید سراغ فرآیند رفت. فرایندها همان افعال اصلی هستند. افزوده حاشیه ای نیز اطلاعات مکانی، زمانی، روش، رویداد و حالت را مشخص میسازد. (تامپسون، ۱۹۹۶، ص ۱۳۶) (Thoposon, ۱۹۹۶, p. ۱۳۶) آغازگر با توجه به نوع ترکیب انواعی دارد:

آغازگر ساده و مرکب. آغازگر ساده خود بر دو نوع است (تامپسون، ۱۹۹۶، ص ۱۳۵) (Thoposon, ۱۹۹۶, p. ۱۳۵):

الف- آغازگری که فقط از یک عنصر ساختاری و از یک واحد تشکیل شده باشد، از نوع ساده است. در این حالت، آغازگر شامل یک سازه یا یک گروه (مثل گروه اسمی، گروه قیدی یا گروه حرف اضافه) است (تامپسون، ۱۹۹۶، ص ۱۳۹) (Thoposon, ۱۹۹۶, p. ۱۳۹) مثال:

- هوایما سقوط کرد.

آغازگر ساده (مشارک)

- آمدم گوشه حیاط.

آغازگر ساده (فرایند)

- فردا عید است.

آغازگر ساده (افزوده حاشیه ای)

ب- اگر آغازگر از دو گروه یا عبارت تشکیل شده باشد به گونه ای که این عناصر باهم یک سازه را تشکیل دهند، این آغازگر، ساده نامیده میشود (تامپسون، ۱۹۹۶، ص ۱۳۹) (Thoposon, ۱۹۹۶, p. ۱۳۹)؛ مثال:

یک روز خوب بهاری اتفاق جالبی در مؤسسه رویان افتاد.

آغازگر ساده (افزوده حاشیه ای)

نویسنده رمانهای عاشقانه اشک خواننده را در میآورد.

آغازگر ساده (مشارک)

خلاصه، فکر میکنم به حرفهای دیروز.

آغازگر ساده (فرایند)

آغازگر مرکب: بیش از یک سازه دستوری دارد و میتوان آن را به عناصر زبانی دیگر تقسیم کرد؛ یعنی اگر اولین سازه آغازکننده بند به تنهایی شرکت کننده، افزوده حاشیه ای یا فعل اصلی باشد، آغازگر ساده است؛ اما اگر پیش از آن عناصری از فرانش بینافردی و متنی یعنی غیرتجربی بیاید، آغازگر از نوع مرکب است. (تامپسون، ۱۹۹۶، ص ۱۳۹) (Thoposon, ۱۹۹۶, p. ۱۳۹) مثال:

دارد آب میدهد به گلدانها.

آغازگر مرکب (فرایند)
 متأسفانه شما درآزمون مردود شدید.
 آغازگر مرکب (مشارک)
 مطلقاً به خانه بر نمیگردی.
 آغازگر مرکب (افزوده حاشیه ای)
 در مثالهای بالا به این دلیل که ((دارد)) نمود و ((متأسفانه)) و ((مطلقاً)) عنصر وجه نمایی را نشان میدهند، آغازگرها مرکب هستند.

۴- داستان مدرن

جریانی که مکتبها و گرایشهای مختلف هنری و ادبی دهههای آغازین قرن بیستم را در بر میگیرد، مدرنیسم نامگذاری شده است. مدرنیسم تحولی در عرصههای دین، سیاست، هنر و ادبیات بود که در تعارض با واقع گرایی قرن نوزدهم قرار داشت و منجر به ایجاد شکاف عمیقی میان حال و گذشته (سنت) شد. (برسler، ۲۰۰۷، به نقل از حسن زاده دستجردی، ۱۳۹۳، ص ۵۸) (Bresler، ۲۰۰۷، quoted by Hassanzadeh Daštjerdi، ۱۳۹۳، p. ۵۸) در مدرنیسم گرایش به نمایش حوادث و واقعیتها به شکلی گسسته و پاره پاره است. در رمانها و داستانهای مدرنیستی ترتیب زمانی رویدادها از طریق سبکهای روایی مانند سیلان ذهن و حدیث نفس درهم ریخته میشود. مدرنیستها گاهی از فرایند نگارش داستان از عامل اتفاق استفاده میکنند؛ مثلاً بخشها به صورت تکه تکه ارائه میشوند. (اولیاینیا، ۱۳۸۹، ص ۸۴) (Aolyainiya، ۱۳۸۹، p. ۸۴) یکی از ویژگیهای داستانهای مدرنیستی و پست مدرن نحوه استفاده از زبان است. همان گونه که مندنی پور (۱۳۸۱، ص ۱۱۹-۱۹۲) (Mandanipour، ۱۳۸۱، p. ۱۱۹-۱۹۲) در بررسی داستان نویسی ایران در دو دهه پس از انقلاب مینویسد، یکی از ویژگیهای این داستانها که متأثر از داستان مدرنیستی و پست مدرن است، تغییر نوع رفتار با زبان است. در دهههای شصت و هفتاد، زبان روایت اهمیت بیشتری یافت. به عبارت دیگر، نسبت به دوره قبل نویسندگان بیشتری میبایم که زبان برای آنها وسیله نیست؛ بلکه هدف است و عنصر اصلی و اساسی داستان.

۵- روش شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی است. شیوة جمع آوری دادهها به صورت مطالعه کتابخانه ای بود. برای بررسی فرانش متنی در داستانهای مدرنیستی، پنج داستان از کتاب داستان کوتاه در ایران نوشته پاینده (۱۳۸۹) (Payandeh، ۱۳۸۹) به نامهای نقش بندان (هوشنگ گلشیری)، درخت گلابی (گلی ترقی)، سه شنبه خیس (بیژن نجدی)، کابوس بیداری (حسین سنایور) و اسکلتهای بلور آجین (محمد کلباسی) انتخاب شدند. نویسندگان کتاب، این داستانها را به عنوان داستانهای مدرنیستی مشخص کرده بود. برای بررسی فرانش متنی در این داستانها، پنج صفحه به

عنوان نمونه انتخاب گردید. سپس تمام بندهای آنها بر طبق تعریفی که از بند ارائه خواهد شد، جدا شد و میزان فراوانی انواع آغازگرها (مشارک، فرایند، افزوده حاشیه) محاسبه گردید و سپس در نرم افزار Excel ۲۰۱۰ در صد فراوانی آنها محاسبه شد و به صورت نمودارها نشان داده شد.

۶- یافته‌ها

قبل از ارائه یافته‌ها لازم است تعریفی از بند ارائه شود که براساس آن جمع آوری داده‌ها انجام شد. همان طور که اشاره شد، واحد اصلی در دستور نقش گرای هلیدی، بند است. (هلیدی، ۱۹۹۴، ص ۳۶) (Halliday, ۱۹۹۴, p. ۳۶) در زبان فارسی، بند واحدی زبانی است که از یک یا چند گروه ساخته شده است و خود در ساختمان واحد بالاتر؛ یعنی جمله به کار میرود. (باطنی، ۱۳۸۶، ص ۶۰) (Bateni, ۱۳۸۶, p. ۶۰) در توضیح بیشتر این تعریف باید افزود که بند حد اقل از یک گروه اسمی و یک گروه فعلی تشکیل میشود که وجود گروه اسمی اختیاری است؛ اما وجود گروه فعلی اجباری میباشد؛ ((آدم)) خود به تنهایی بند و نیز جمله مستقل است. به عقیده وحیدیان کامیار و عمرانی (۱۳۸۱، ص ۱۱) (Vahidian kamyar & Omrani, ۱۳۸۱, p. ۱۱)، جمله مستقل بزرگترین واحد زبان است که بخشی از یک واحد بزرگتر نباشد. جمله مستقل بر دو نوع است: ساده و مرکب. جمله مستقل ساده یک فعل دارد و جمله مستقل مرکب حد اقل یک جمله وابسته دارد. نمونه جملات مستقل ساده و مرکب، به ترتیب چنین است:

الف- خورشید در آسمان میدرخشد.

ب- هنگامی که به کتابخانه رفتم، کسی در آنجا نبود.

در جمله ب، ((هنگامی که به کتابخانه رفتم)) جمله یا بند وابسته یا پیرو است.

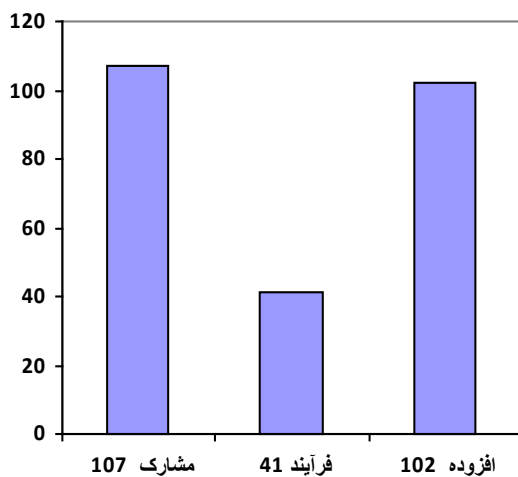
در جمله مستقل مرکب حرف یا حروف ربطی وجود دارند که این حروف عبارت اند از: اگر چه، اگر، پس، چون که، تا، چون، که، اما، ولی، زیرا، و، یا، و... برخی از این حروف، حروف ربط وابستگی هستند که در آغاز هر جمله ای بیایند، نشان گر جمله وابسته هستند؛ مانند اگر چه، اگر، تا، زیرا، و چون. این حروف دو یا چند جمله را به هم پیوند میدهند که یکی از آن جملات، جمله اصلی یا هسته است و دیگر یا دیگر جمله‌ها جزئی از جمله هسته هستند که جمله وابسته نامیده میشوند. (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹-۱۱۰) (Vahidian kamyar & Omrani, ۱۳۸۱, p. ۱۰۹-۱۱۰) برخی دیگر از این حروف، حروف ربط همپایگی هستند؛ مانند و، یا، اما، ولی و نیز تکواژهای این گسسته: هم... هم، چه... چه، نه... نه، یا... یا. حروف ربط همپایگی بین جمله‌های همپایه می‌آیند؛ یعنی هیچ یک از جمله‌ها جزئی از جمله دیگر نیست. (وحیدیان کامیار و عمرانی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰) (Vahidian kamyar & Omrani, ۱۳۸۱, p. ۱۱۰) همان طور که مشاهده میشود، وحیدیان کامیار و عمرانی به جای کاربرد ((بند)) از ((جمله)) استفاده کرده اند و معتقدند که بند یا جمله جزئی از جمله مستقل است. در جمله ب، ((هنگامی که رفتم)) و ((کسی در آنجا نبود)) دو بند یا دو جمله هستند که هر یک جزئی از جمله مستقل ((هنگامی که آنجا رفتم، کسی در آنجا نبود)) میباشد.

در ادامه، یافته‌های حاصل از بررسی انواع آغازگرها در پنج داستان مدرنیستی مورد بررسی ارائه میشود. فراوانی و درصد فراوانی انواع آغازگر در داستان ((نقش بندان)) در جدول (۱) نشان داده شده است:

نوع آغازگر		تعداد	جمع کل	درصد	درصد کل
مشارک	تک بخشی	99	107	40	44
	چند بخشی	8		4	
فراینده	تک بخشی	32	41	12	14
	چند بخشی	9		2	
افزوده	تک بخشی	96	102	39	42
	چند بخشی	9		3	
جمع کل			205		100

جدول ۱- تعداد و درصد وقوع انواع آغازگر در داستان ((نقش بندان))

در داستان ((نقش بندان))، تعداد کل مشارک ۱۰۷ عدد است که ۹۹ تای آن تک بخشی و ۸ تای آن چند بخشی است؛ بنابراین، سهم مشارک در این داستان ۴۴ درصد است. تعداد فرایندها نیز ۴۱ عدد است که ۳۲ تای آن تک بخشی و ۹ تای آن چند بخشی است؛ بنابراین فرایند ۱۴ درصد بندهای این داستان را به خود اختصاص داده است. تعداد افزوده‌های بندهای این داستان نیز ۱۰۲ عدد است که ۹۶ تای آن تک بخشی و ۹ تای آن چند بخشی است؛ لذا سهم افزوده نیز ۴۲ درصد است. در نمودار زیر، توزیع فراوانی انواع آغازگر در این داستان نمایش داده شده است. مشارک و افزوده تقریباً با توزیع یکسانی در این داستان ظاهر شده اند (به ترتیب ۱۰۷ و ۱۰۲ مورد) و فراوانی فرایند نسبت به دو آغازگر دیگر کمتر (۴۳ مورد) است.



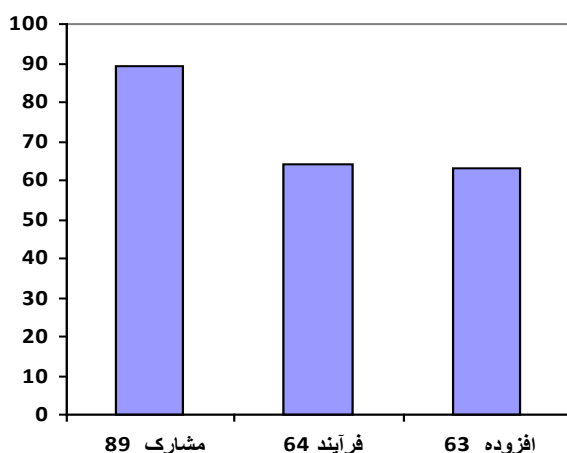
نمودار ۱- میزان فراوانی انواع آغازگرها در داستان ((نقش بندان))

فراوانی و درصد فراوانی انواع آغازگر در داستان ((کابوس بیداری)) در جدول (۲) نشان داده شده است:

نوع آغازگر	تعداد	جمع کل	درصد	درصد کل
مشارک	تک بخشی	89	32	45
	چند بخشی		13	
فرایند	تک بخشی	64	18	28
	چند بخشی		10	
افزوده	تک بخشی	63	14	27
	چند بخشی		13	
جمع کل	232	232	100	100

جدول ۲- تعداد و درصد وقوع انواع آغازگر در داستان ((کابوس بیداری))

در داستان ((کابوس بیداری))، تعداد کل مشارک ۸۹ عدد است که ۶۵ تای آن تک بخشی و ۲۴ تای آن چند بخشی است؛ بنابراین سهم مشارک در این داستان ۴۵ درصد است. تعداد فرایندها نیز ۶۴ عدد است که ۴۱ تای آن تک بخشی و ۲۳ تای آن چند بخشی است؛ بنابراین درصد وقوع فرایند ۲۸ درصد است. تعداد افزوده‌های بندهای این داستان ۶۳ عدد است که ۳۳ تای آن تک بخشی و ۳۰ تا چند بخشی است؛ بنابراین سهم افزوده ۲۷ درصد است. نمودار زیر نشان دهنده توزیع فراوانی انواع آغازگر در این داستان است:

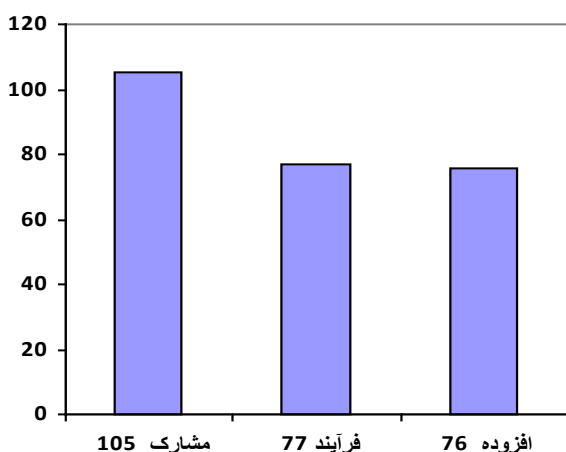


نمودار ۲- میزان فراوانی انواع آغازگرها در داستان ((کابوس بیداری))

مشارک بیشترین میزان فراوانی را دارد؛ اما میزان فراوانی فرایند و افزوده تقریباً یکسان است و فراوانی این دو آغازگر در مقایسه با مشارک اندک است. فراوانی و درصد فراوانی انواع آغازگر در داستان ((اسکلت‌های بلور آجین)) در جدول (۳) نشان داده شده است:

نوع آغازگر		تعداد	جمع کل	درصد	درصد کل
مشارک	تک بخشی	71	105	27	40
	چند بخشی	34		13	
فرآینده	تک بخشی	53	77	20	29
	چند بخشی	24		9	
افزوده	تک بخشی	61	76	23	31
	چند بخشی	15		8	
جمع کل			258		100

جدول ۳- تعداد و درصد وقوع انواع آغازگر در داستان ((اسکلت های بلور آجین))
 در داستان ((اسکلت های بلور آجین))، تعداد کل مشارک ۱۰۵ عدد است که ۷۱ تای آن تک بخشی و ۳۴ تای آن چند بخشی است؛ بنابراین، سهم مشارک در این داستان ۴۰ درصد است. فراوانی فرایند ۷۷ عدد است که ۵۳ تای آن تک بخشی و ۲۴ تای آن چند بخشی است؛ بنابراین فرایند ۲۹ درصد بندهای این داستان را به خود اختصاص داده است. تعداد افزوده های بندهای این داستان ۷۶ عدد است که ۶۱ تای آن تک بخشی و ۱۵ تا چند بخشی است؛ بنابراین سهم افزوده نیز ۳۸ درصد است. حال نمودار زیر، به روشنی، نشان دهنده توزیع فراوانی انواع آغازگر در این داستان است. نمودار زیر نشان دهنده توزیع فراوانی انواع آغازگر در این داستان است:



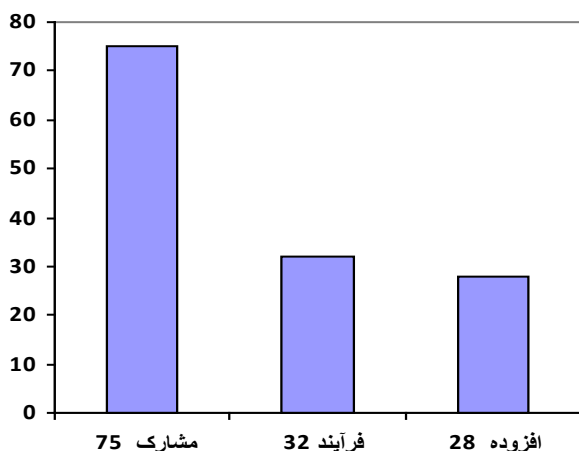
نمودار ۳- میزان فراوانی انواع آغازگرها در داستان ((اسکلت های بلور آجین))
 مشارک در این داستان بیشتر است و آغازگرهای فرایند و افزوده با فراوانی تقریباً یکسانی توزیع شده اند.

فراوانی و درصد فراوانی انواع آغازگر در داستان ((درخت گلابی)) در جدول (۴) نشان داده شده است:

نوع آغازگر		تعداد	جمع کل	درصد	درصد کل
مشارک	تک بخشی	65	75	50	57
	چند بخشی	10		7	
فرایند	تک بخشی	25	32	17	23
	چند بخشی	7		6	
افزوده	تک بخشی	21	28	15	20
	چند بخشی	7		5	
جمع کل		135		100	

جدول ۴- تعداد و درصد وقوع انواع آغازگر در داستان ((درخت گلابی))

در داستان ((درخت گلابی))، تعداد کل مشارک ۷۵ عدد است که ۶۵ تاي آن تک بخشی و ۱۰ تاي آن چند بخشی است؛ بنابراین، سهم مشارک در این داستان ۵۰ درصد است. تعداد فرایندها ۳۲ عدد است که ۲۵ تاي آن تک بخشی و ۷ تاي آن چند بخشی است؛ بنابراین سهم فرایند ۲۳ درصد بندهای این داستان بود. تعداد افزودههای بندهای این داستان ۲۸ عدد که ۲۱ تاي آن تک بخشی و ۷ تا آن چند بخشی است؛ بنابراین سهم افزوده ۲۰ درصد است. حال نمودار زیر، به روشنی، نشان دهنده توزیع فراوانی انواع آغازگر در این داستان است. نمودار زیر نشان دهنده توزیع فراوانی انواع آغازگر در این داستان است:



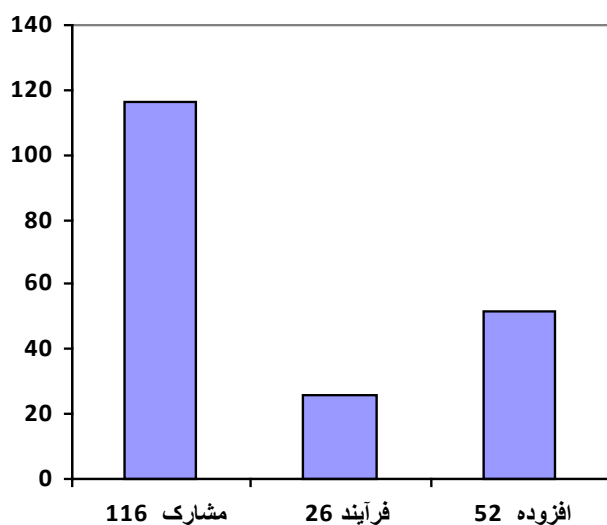
نمودار ۴- میزان فراوانی انواع آغازگرها در داستان ((درخت گلابی))

آغازگر از نوع فرایند و افزوده در این داستان توزیع تقریباً یکسانی دارند. مشارک با فاصله زیادی نسبت به دو آغازگر قبل بیشترین فراوانی را دارا میباشد. فراوانی و درصد فراوانی انواع آغازگر در داستان ((سه شنبه خیس)) در جدول (۵) نشان داده شده است:

نوع آغازگر		تعداد	جمع کل	درصد	درصد کل
مشارک	تک بخشی	112	116	58	60
	چند بخشی	4		2	
فرآینده	تک بخشی	25	26	12	13
	چند بخشی	1		1	
افزوده	تک بخشی	51	52	26	27
	چند بخشی	1		1	

جدول ۵- تعداد و درصد وقوع انواع آغازگر در داستان ((سه شنبه خیس))

در داستان ((سه شنبه خیس))، تعداد کل مشارک ۱۱۶ عدد است که ۱۱۲ تای آن تک بخشی و ۴ تای آن چند بخشی است؛ بنابراین سهم مشارک در این داستان ۶۰ درصد است. تعداد فرایندها ۲۶ عدد است که ۲۵ تای آن تک بخشی است و فقط ۱ فرایند چند بخشی وجود دارد؛ بنابراین، فرایند ۱۳ درصد بندهای این داستان را به خود اختصاص داده است. تعداد افزوده‌های بندهای این داستان ۵۲ عدد است که در این میان، ۵۱ افزوده تک بخشی و تنها ۱ افزوده چند بخشی وجود دارد؛ بنابراین سهم افزوده ۲۷ درصد است. نمودار زیر نشان دهنده توزیع فراوانی انواع آغازگر در این داستان است:



نمودار ۵- میزان فراوانی انواع آغازگرها در داستان ((سه شنبه خیس))
براساس نمودار، مشارک با تفاوت بارزی بیشترین میزان فراوانی را دارد.

۷- نتیجه گیری

زبان شناسی نقش گرا به نقش ارتباطی زبان توجه دارد و دستور نقش گرای نظام مند هلیدی به عنوان مشهورترین نمونه نقش گرای، رویکردی دقیق و نظام مند برای تجزیه و تحلیل متون ارائه داد. این دستور نظام مند تفسیر متون و ارتباط میان متون را در نظر میگیرد. واحد اصلی در دستور نظام مند هلیدی، بند است که ترکیبی از رشته‌های مختلف معنا را دربرمیگیرد. بند به عنوان واحد زبانی، از یک یا چند گروه تشکیل شده و جمله را شکل میدهد. بند حد اقل شامل یک گروه اسمی و یک گروه فعلی است. در جملات مستقل، میتوان جملات ساده یا مرکب را تشخیص داد، و جملات وابسته نیز با حروف ربط وابستگی یا همپایگی ایجاد میشوند. بند میتواند به عنوان پیام، تبادل یا باز نمود عمل کند. فرانشها شامل فرانش اندیشگانی (بند به عنوان باز نمایی معنای تجربی و منطقی)، فرانش بینافرادی (بند به عنوان تبادل) و فرانش متنی (بند به عنوان پیام) هستند. این معانی توسط دستور نظام مند به تجزیه و تحلیل متون کمک میکنند. فرانش متنی متشکل از دو نقش اصلی به نام ((آغازگر)) و ((پایان بخش)) است که با هم ساختاری معنوی به وجود میآورند. آغازگر نقطه عزیمت پیام است و پایان بخش باقی مانده بند است که در آن آغازگر گسترش مییابد. در دستور نظام مند هلیدی، بندها به عنوان واحد اصلی تحلیل متون در نظر گرفته میشوند. از سوی دیگر، داستانهای مدرنیستی معمولاً از ساختار منسجم و نظم روایی کمتری برخوردارند. این داستانها بیشتر تکه تکه و پاره پاره اند و شخصیتها در آنها تردید دارند. تکنیک ((سیال ذهن)) نیز در این داستانها معمول است که عقاید و احساسات به صورت نامنطقی و پراکنده آشکار میشود.

منابع

- آقا گل زاده، فردوس؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه؛ رضویان، حسین (۱۳۹۰) سبک شناسی داستان براساس فعل؛ رویکردی نقش گرا. فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۴(۱)، ۲۰۴-۲۴۳.
- ابوالحسنی، زهرا؛ ومیرمالک ثانی، مریم السادات (۱۳۸۷) بررسی کتابهای درسی دانشگاهی براساس نظریه نقش گرای نظام مند هلیدی و مقایسه آن با متون همسان غیر درسی معرفی یک پایان نامه. سخن سمت، ۲، ۱۲۹-۱۴۳.
- امینی، رضا (۱۳۹۲) تحولات معنایی و ساخت اطلاعی آغازگرهای اسنادی شده در فرآیند ترجمه از انگلیسی به فارسی در چارچوب دستور نقش گرای نظام مند هلیدی. فصلنامه جستارهای زبانی، ۲(۱۶)، ۲۹-۳۶.
- اولیایی نیا، هلن (۱۳۸۹) مدرنیسم و پسامدرنیسم در آثار داستان کوتاه نویسان معاصر ایران.

کتاب ماه ادبیات، ۴۴ (۱۵۸)، ۸۴ - ۹۵.

- بدری، سجاد؛ همه چیز فهم، عبدالحکیم؛ سربلندی، سید ابراهیم (۱۳۹۴) تحلیل سبک شناختی داستانهای رآلیستی؛ تحلیلی آماری مبتنی بر داستانهای فارسی. سومین همایش ملی زبان شناسی و آموزش زبان فارسی، نشر نویسه فارسی، ۱-۱۹.

- پاینده، حسین (۱۳۸۹) داستان کوتاه در ایران، داستانهای مدرن. تهران: انتشارات نیلوفر.

- پاینده، حسین (۱۳۸۹) داستان کوتاه در ایران؛ داستانهای رآلیستی و ناتورالیستی. تهران: انتشارات نیلوفر.

- تعمیم داری، احمد؛ صدری، نیره (۱۳۹۳) مطالعه سبک شناختی وجه نمایی در گلستان سعدی در چارچوب دستور نقش گرای نظام مند. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۳۳، ۱۴۱-۱۸۱.

- چایلدرز، پیتر (۱۳۸۳) مدرنیسم (ترجمه رضارضایی). تهران: نشر ماهی.

- حسن زاده دستجردی، افسانه (۱۳۹۳) تحلیل رمان اسفار کاتبان بر اساس شاخصهای نگارش رمان مدرنیستی و پسامدرنیستی. پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، ۲ (۲)، ۵۷ - ۷۶.

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۱) زبان شناسی نظری (پیدایش و تکوین دستور زایشی). تهران: انتشارات سمت.

- شاهرخي شهرکی، مریم (۱۳۸۵) بررسی شعر کودک از منظر زبان شناسی نقش گرای هلیدی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- عاصی، مصطفی؛ نوبخت، محسن (۱۳۹۰) تحلیل سبک شناختی شعر اخوان (آم گاه پس از تندر)؛ رویکردی نقش گرا. زبان شناخت. ۲ (۲)، ۶۹ - ۹۸.

- عرب زوزنی، محمد علی؛ پهلوان نژاد، محمد رضا (۱۳۹۲) بررسی آغازگر نشان دار ویی نشان در کتب زبان انگلیسی مقطع متوسطه در ایران براساس رویکرد نقش گرای نظام مند هلیدی. جستارهای زبانی، ۶ (۳)، ۱۸۹ - ۲۱۴.

- فضائی، سیده مریم؛ ابراهیمی، شیما (۱۳۹۳) تحلیل سبک شناختی داستان هفت خوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقش گرای نظام مند هلیدی. فصلنامه مطالعات زبان و گویشهای غرب، ۱ (۴)، ۱۱۹ - ۱۴۲.

- فهیم نیا، فرزین (۱۳۸۷) توصیف و تحلیل نقش گرایانه آغازگر از منظر رویکرد هلیدی در کتابهای فارسی و انشاهای دانش آموزان دبستان. رساله دکتری. پژوهشگاه علوم انسانی، تهران.

- کاظمی، فروغ (۱۳۹۰) آغازگر و پایان بخش در متون علمی و انگلیسی بر پایه نظریه نقش گرای نظام مند. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات. تهران، ایران.

- کاظمی، فروغ؛ افراشی، آریتا (۱۳۹۲) نشان داری آغازگر در زبان فارسی و انگلیسی بر اساس رویکرد دستور نقش گرای نظام مند هلیدی. فصلنامه جستارهای زبانی، ۱ (۱۳)، ۱۲۵ - ۱۴۹.

- کاوسی نژاد، سهیلا (۱۳۸۰) ساخت مبتدای خبری در فارسی و اهمیت آن در انسجام متن؛ نگرشی نقش گرا. رساله دکتري. دانشگاه تهران.
- مندني پور، شهريار (۱۳۸۱) ماهنامه ادبي - هنري عصر پنجشنبه. ۱۲ و ۱۳ (خرداد و تير ماه)، ۱۷.
- مهاجر، مهران؛ نبوي، محمد (۱۳۷۶) به سوي زبان شناسي شعر: رهيافتي نقش گرا. تهران: نشر مرکز.

References

- Abolhasani, Z; Mirmalek Thani, M (۱۳۸۷) Examining university textx books based on Halliday's systematic role-oriented theory and comparing it with similar non-curriculum texts, introduction of a thesis. Sokhan Samt, 2, p.p 129-143.
- Aghagolzadeh, F; Kurd-Zafaranlou Kambozia, A; Razovian, H (1390) The stylistics of the story based on the verb; a role-oriented approach. Journal of the stylistic of Persian poem and prose (Bahar-e-adab), 4(1) p.p 204-243.
- Ahmad Bilal, H (2012) Analysis of thank you M'AM: Halliday's meta-function. Academic Research International, 2(1) p.p 726-731.
- Amini, R (1392) Semantic transformations and information construction of documented primers in the process of translation from English to Persian in the framework of Halliday's systematic role-oriented order. Linguistic Inquiries Quarterly, 2(16) p.p 1-29.
- Aoliainia, H (1389) Modernism and postmodernism in the works of contemporary short story writers of Iran. Ketabe Mahe Adabiat., 44 (158) p.p 84-95.
- Arab Zozani, M.A; Pahlavan-nejad, M.R (1392) The Study of Marked and Unmarked Theme in Iranian High School English Text Books based on Halliday's Systemic Functional Grammar. Linguistic Studies, 3(6) p.p 189-214.
- Arunsirut, S (2013) An analysis of textual metafunction in THAI Efl: Student writting. Novitas-Royal (Research on Youth and Language), 7(2) p.p 160-174.
- Assi, M; Nobakht, M (1390) The Stylistic Analysis of Akhavan Sales Poetry (Then After Thunder); A Functional Approach. Language Studies, 2(4)

p.p 69-98.

-Badri, S; HamzehChizfahm, A.H; Sarbalandi, S.E (1394) Stylistic analysis of realistic stories; statistical analysis based on Persian stories. Third National Conference on Linguistics and Persian Language Education, Farsi Script Publishing. p.p 1-19.

-Bloor, T; Bloor, M (1995) *The Functional Analysis of English: A Hallidayan Approach*. London: Arnold.

-Cerban, M. (2015). *Central and eastern European Online library*. Retrieved from <http://www.cceol.com>

-Childers, P (1383) *Modernism* (Translated by Reza rezaei) Tehran: Nesr-mahi.

-Danes, F (1974) Functional Sentence Perspective and the Organization of Text. In F. Danes (Eds.) *Papers in Functional Sentence Perspective* (p.p 106-128) Prague: Academia.

-Debirmoghadam, M (1391) *Theoretical Linguistics: Emergence and Development of Generative Grammar*. Tehran: Samt Publications.

-Fahimnia, F (1387) *Description and analysis of the role-oriented initiator from the perspective of Halliday's approach in Persian books and essays of elementary school students*. Doctoral thesis of Humanities Research Institute, Tehran, Iran.

-Fazaeli, S. M; Ebrahimi, S (1393) Stylistic Analysis of Rostam's Seven Labours (Haft Khan) in Shahname in the Framework of Halliday's Systemic Functional Grammar (SFG). *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 1(4) p.p 119-142.

-Fries, P.H (1995) Themes, Methods of Development, and Texts. In R. Hassan and P. H. Fries (Eds.) *On Subject and Theme: A Discourse Functional Perspective* (p.p 317-359). Amsterdam John Benjamin.

-Ghaleasad, E (2013) On Textual Theme in Reading Comprehension of English Romantic and Criminal Short Stories. *International Association of Research in Foreign Language Education and Applied Linguistics. ELT Research Journal*, 2(2) p.p 51-61.

-Gomez, M (1994) The Relevance of Theme in the Textual Organization of B.B.C. News Reports. In *WORLD*, 45 (3) p.p 293-305.

- Halliday, M. A. K (1985) *Introduction to Functional Grammar*. London: Arnold Publication.
- Halliday, M. A. K (1994) *An Introduction to Functional Grammar* (2nd Ed.). London: Arnold Publication.
- Halliday, M.A.K; Hassan, R (1976) *Cohesion in English*. London. Longman.
- Halliday, M.A.K; Matthiessen, C.I.M (2004) *An Introduction to Functional Grammar* (3rd Ed.). London: Arnold Publication.
- Hasanzade Dashtjerdi, A (1393) The Analysis of “Asfār-e-Kātebān (Books of Scribes) in Terms of its Modernist and Post-Modernist Narrative Features. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 3(2) 57-76.
- Hassan, R (1989) *Linguistics, Language and Verbal Art*. Landon: Oxford Press.
- He, Q (2013) Textual Metaphor from the Non-Finite Clausal Perspective. *Open Journal of Modern Linguistics*, 3(4) p.p 308-313.
- Kavosinejad, S (1380) Making news in Farsi and its importance in the coherence of the text; A role-oriented attitude. PhD Thesis, University of Tehran, Tehran, Iran.
- Kazemi, F (1390) *Introduction and conclusion in scientific and English texts based on systematic role-oriented theory*. Doctoral thesis of Islamic Azad University, Science and Research Unit. Tehran Iran.
- Kazemi, F; Afarashi, A (1392) Introductory marking in Farsi and English based on Halidi's systematized role-oriented grammar approach. *Linguistic Studies Quarterly*, 1 (13) p.p 125-149.
- Li, H (2011) A Contrastive Analysis of Thematic Progression Patterns of English and Chinese Consecutive Interpretation Texts. *Theory and Practice in Language Studies*, 1(6) p.p 671-675.
- Lock, G (1996) *Functional English Grammar: An Introduction to Second Language Teachers* (Edited by Jack C. Richards) Cambridge University Press.
- Mandanipour, Sh (1381) Literary-artistic monthly Asr-e Panjshanbeh. 12 and 13 (June and July) p.p 17.
- Mc Cabe, A; Heilman, K (2007) Textual and interpersonal differences be-

tween a news report and an editorial. *Revista Alicantina de Estudios Ingleses*, 20 p.p 139-156.

-Mohajer, M; Nabavi, M (1376) *Towards the linguistics of poetry, a functional approach*; Tehran: Markaz.

-Olusanya, A.M (2013) An Interpersonal Metafunction Analysis of Some Selected Political Advertisements in Some Nigerian Newspapers. *International Journal of Humanities and Social Science*, 3(8) p.p 165-178.

-Payandeh, H (1389) *Short stories in Iran, modern stories*. Tehran: Nilufar Publications.

-Payandeh, H (1389) *Short story in Iran; Realistic and naturalistic stories*. Tehran: Nilufar Publications.

-Shahrokhi Shahraki, M (1385) *The study of children's poetry from the perspective of Halliday's role-oriented linguistics. Master's thesis*. Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

-Tamimdari, A; Sadri, N (1393) The Stylistic Study of Modality in Goles-tan of Sa di In the Framework of Systemic Functional Grammar, *Research in Persian Language & Literature*, 33 p.p 141-181.

-Thompson, G (2004) *Introducing Functional Grammar* (2nd Ed.). New York: Arnold.

-Wang, B (2014) Theme in Translation: A Systemic Functional Linguistic Perspective. *International Journal of Comparative Literature & Translation Studies*. 2(4) p.p 54-63.

-Wang, L (2007) Theme and Rheme in the Thematic Organization of Text: Implication for Teaching Academic Writing. *Asian EFL Journal*, 9(1) p.p 164-176.